



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۰۴/۱۲



سید هاشم سدید

آیا پشتون ها یک ملت هستند؟

به نظر من پیشنهاد "کجکول موسفید"، که آقای سید خلیل الله هاشمیان آن را به پورتال افغان جرمن آنلاین برای نشر ارسال نموده است، ایراد هائی دارد.

با شناختی که از آقای هاشمیان، از روی نوشته های شان دارم، البته تعجب آور نیست، که چرا آقای هاشمیان این پیشنهاد را باوجود داشتن ایراد های قابل توجه و جدی تأیید نموده اند. به ایراد ها نگاه می کنیم:

(۱) اولین ایراد این است، که کجکول موسفید، پشتون ها را "ملت" نامیده است، درحالی که پشتون ها یک قوم و بخشی از یک ملت هستند، نه یک ملت، حتی اگر زمانی پشتون های آن طرف مرز دیورند نیز به افغانستان بپیوندند، باز هم پشتون ها بخشی از یک ملت باقی خواهند ماند، نه یک ملت؛ البته بخش بزرگ آن!

افغانستان کشوری است کثیرالاقوام. تمام این اقوام تشکل سیاسی - جغرافیائی - ملی واحدی را به وجود آورده اند، که نظر به اجماع همگانی، افغان نامیده می شوند. بهتر بود کجکول موسفید، وقتی از بدبختی مردم طی ۱۵ سال یاد می کند، به جای کلمه پشتون، کلمه "افغان" را به کار می برد، که شامل همه انسان هائی می شود، که از شمالی ترین نقطه افغانستان تا جنوبی ترین مکان، و از غربی ترین محل تا شرقی ترین ناحیه زندگی می کنند.

از استعمال نام یک قوم، از میان ده ها قوم، حال هر قومی که باشد، نه بوی وحدت، که بوی تفرقه و نفاق به مشام می رسد. بنابراین اندیشه های کجکول موسفید را "ملی" یا "وطن دوستانه" خواندن، و آن ها را تأیید کردن به هیچ وجه درست و به سود مردم ما نیست.

(۲) از روزی که خلق - پرچم کودتا کرد تا امروز، همه اقوام این کشور دچار رنج و بدبختی و مصیبت و آوارگی هستند. بناء یک قوم را ستم دیده خواندن، یا از روی بی خبری است یا از روی غرض ورزی و قوم پرستی، که نه سازنده است و نه به حال ما مفید می باشد!

این نوع برخورد با قضایای ملی منصفانه و پسندیده نیست. همه اقوام افغانستان گل های یک بوستان هستند. تفاوت قائل شدن میان آن ها گناهی است بسیار عظیم. عظیم تر از آن این است که چیز فهمان ما این چنین سخنان نفاق افکنانه را با لهله و شور تأیید و تبلیغ کنند.

(۳) با همه جرائم و جنایات مدعش طالب، طالب را معزز و محترم خواندن دور از مروت و تصور است. دآوری تاریخ تقریباً چهل و پنج ساله کشور عزیز ما این است، که نه طالب مستحق احترام و اعزاز است و نه دیگرانی که مانند طالب هستند، خواه جمعیت و شورای نظار باشد، خواه اتحاد اسلامی سیاف و حزب وحدت خلیلی و حزب اسلامی حکمتیار و جنبش ملی اسلامی ... و

کسانی که دست به جنایات گوناگون و عدیده در کشور زده اند و به گونه های مختلف در خدمت بیگانه ها قرار داشته و قرار دارند و برای برآورده ساختن اهداف و مقاصد بیگانگان تیشه بر ریشه وحدت مردم و بقای افغانستان زده و می زنند، باید مانند

آدمکشان خلق - پرچم مورد مؤاخذه قرار بگیرند و سزای اعمال جنایت کارانه و خائنانه خود را ببینند، نه این که آن ها را در ردیف انسان های شرافتمند و ملی شامل نموده به آن ها احترام بگذاریم.

۴) از نوشته کجکول موسفید چنین معلوم می شود، که ایشان بیشتر از پشتون های افغانستان به فکر پشتون های دوروبر (!) افغانستان هستند. کلمه دوروبر معنای خاص خود را دارد، که شامل تمام حواشی و حوالی کشور می گردد. چون از کجکول موسفید شناخت ندارم، نمی توانم در مورد او چیزی بنویسم و از او سؤالی کنم، اما از کسانی که پیشنهاد وی به طالب را تأیید می کنند، می خواهم بپرسم محلاتی را که شامل دوروبر کشور ما می شوند، و پشتون نشین هستند، به خوانندگان خویش معرفی کنند.

اگر منظور از پشتون های آن طرف مرز نام نهاد دیورند است، این ها که در جنوب کشور ما، در داخل و در جا هائی که جزء خاک خود ما پنداشته می شوند، استقرار دارند، نه در دوروبر افغانستان عزیز!

۵) ذکر نام تنها یک قوم، و نه تمام اقوام کشور، وقتی از بدبختی و تحمل رنج و محرومیت و... طی سال های گذشته سخن گفته می شود، بدان می ماند، که این صدا هم از حنجره مولانا فضل الرحمان خارج شده باشد.

مولانا فضل الرحمان از طالب های پاکستانی دعوت می کند، که جنگ و کشتار را در پاکستان قطع کنند و شامل حرب او گردیده به مبارزه سیاسی دست بزنند - تنها از طالبان پاکستانی! آیا چنین دعوتی از روی عاطفه و احساس انسانی - اسلامی است؟

اگر مولانا فضل الرحمان شخصی خوش قلب، با عاطفه، انسان و مسلمان است، چرا همین احساسات و عواطف را در مورد همکیشان و هموعان دیگر خود، که افغان نامیده می شوند و به مراتب بیشتر از پاکستانی ها از دست طالب های - پاکستانی و افغانی و کشمیری و ازبک و... - آزار و اذیت شده اند و ملک شان آسیب دیده است و مانند خود او مسلمان اند، نشان نمی دهد؟ و از طالبان افغانی، که خود خالق و قوماندان آن ها می باشد، خواهش نمی کند، که جنگ را قطع کنند و از راه سیاست و تفاهم مشکل خود را با مردم و دولت افغانستان حل کنند؟

کجکول موسفید هم، درحالی که مردم کشور، از "الف" تا "یاء"، از صدمات جنگ و ترور و زورگویی های متواتر مجرمان و جنایت کاران و وطن فروشان متأثر شده اند و هر یک از انسان های این کشور کم از کم یک عزیزی را از دست داده است، با یادآوری از بدبختی های یک قوم نشان می دهد، که چقدر اختصاصی و غیرملی فکر می کند. فضل الرحمن تنها به پاکستان فکر می کند، و کجکول تنها به قوم پشتون! (انتقاد من به طرز تفکر خاص کجکول موسفید است؛ نه به دلیل دشمنی و قصد سوء در برابر پشتون ها!!!)

تقاضای من از هموطنان گرانمایه و عزیز این است، که با احترام به همه اقوام، خواه پشتون و خواه ترکمن و هزاره و تاجیک و ازبک و...، وقتی راجع به مردم افغانستان فکر می کنند یا راجع به خود افغانستان، به فکر همه انسان های این سرزمین باشند و از حق و حقوق، همچنان از درد و غم و بدبختی و رنج همه یاد و دفاع کنند، و از هر طریق، و به هر نوع ممکن در راستای خوشبختی و سعادت همه آحاد کشور بکوشند!

یگانه راه بهروزی و قوت مردم ما در این است، که با همه برخورد یکسان و عدالت محور داشته باشند و یکی برای همه، و همه برای یکی کار و فکر کنند!

اگر هزاره به فکر هزاره باشد و تاجیک به فکر تاجیک و ترکمن به فکر ترکمن و نورستانی به فکر نورستانی و پشتون به فکر پشتون، و شیعه به فکر شیعه و سنی و هندو و سکھ و یهود و عیسوی به فکر سنی و هندو و سکھ و یهود و عیسوی و... فکر ملت شدن و فکر قطع جنگ و استقرار صلح و آرامی و آبادی و قوت و دفع مداخلات فرهنگی - سیاسی و نظامی بیگانه در افغانستان را باید از سر بیرون کرد.

با چنین تفکری ضد ملی - میهنی نه ملت ها ساخته می شوند و نه کشور ها آباد و معمور و نیرومند می گردند!

پس باید نه تنها ریشه های چنین تفکرات زیان آور را قطع کرد، که دست و زبان آن هائی را هم کوتاه کرد، که در صدد آب دادن به این چنین تفکرات مخرب و زیان آور هستند!!